

گزارش

یادی از استاد نوری پس از ۱۳ سال

دستی آمد و او را به آن سوی ابرها برد

یک خانه کوچک در خیابان سرریاز، یک پیانوی قدیمی و کتابخانه‌ای کوچک که پر از کتاب‌های بزرگ بود؛ همین و دیگر هیچ! اینجا خانه محمد نوری بود. آوازخوانی که از او به عنوان غرور ایران‌زمین یاد می‌کردند. استادی که اگر چه دیر با غریبه‌ها مانوس می‌شد اما رفاقت‌ها و آشنایی‌هایش عمق داشت…

به گزارش ایسنا، ۹ مرداد ماه ۱۳۸۹ همان روزی است که محمد نوری، صاحب دلاویزترین صدا دیگر نتوانست درد سرطان را به جان بخرد. یک دست از آسمان آمد و ۸۰ سال خاطره و تجربه را یک‌جا به آن طرف ابرها برد تا هر وقت از ایران و از این سرزمین محبوب حرف می‌زدیم، نوای «ای ایران، ایران» او در سرمان بیبجد.

نوری؛ یک خواننده‌ی مترجم!

محمد نوری ۱ دی ماه سال ۱۳۰۸ در تهران متولد شد و پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه در رشته زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد. او علاوه بر فعالیت در عرصه موسیقی، چند کتاب را هم ترجمه کرد که از جمله رمان «درخت شیطان» نوشته ایزری کارنیکسی است.

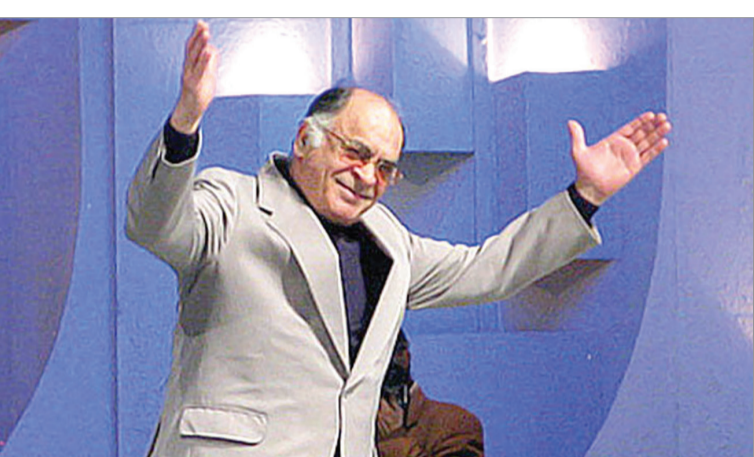
این هنرمند ابتدا در هنرستان تئاتر نزد اسماعیل خان مهرنژاد مدت سه سال آواز ایرانی را به طور سینه به سینه آموخت. سپس به هنرستان عالی موسیقی رفت و زیر نظر استادان مصطفی کمال پورتراب و مهندس سیروس شهرداد سلفژ و نت و پیانو را فراگرفت و پس از آن به کلاس اولین باغچه‌بان (استاد هنرستان عالی موسیقی) رفت که مکتب وسعت صدای خود را پیدا کند.

سینمای ایران در چند ماه اخیر فروش خوبی را با محوریت آثار کمدی تجربه کرده و حالا این فرصت را دارد تا با برنامه‌ریزی درست در شرایطی بدون آکران آثار طنز زیست بوم سینمایی مخاطبان خود را اصلاح کند.

به گزارش فارس، سینما در چند ماه گذشته فروش و مخاطب خوبی را تجربه کرده است، اما این فروش تنها با محوریت یک فیلم اتفاق افتاد تا تمام سیاست‌های آکران و البته برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته معطوف به رشد مخاطب همان فیلم باشد تا در نهایت ساخته کریم امینی آمار مخاطب سینمای کشور را افزایش دهد.

این اتفاق در نهایت باعث شد تا از کل میزان فروش سینما تا پایان روز آکران کمدی‌ها درصد بالایی به سینمایی «فسیل» اختصاص پیدا کند، به شکلی که از کل مخاطب حدود ۸ میلیون و ۴۲۸ هزار نفری سینما چیزی حدود ۶۲ درصد یعنی ۵ میلیون و ۱۸۵ هزار مخاطب تنها به این فیلم اختصاص پیدا کند. مصطفی محدودی، فعال فرهنگی و منتقد حوزه سینما درباره آمار فروش سینمایهای سراسر کشور و وضعیت استقبال مخاطبان از این عرصه فرهنگی گفت: «اگر نگاهی به فروش فیلم‌های سینمایی داشته باشیم، می‌بینم همچنان مالکیت سینمای ایران، در یحث فروش فیلم‌های بدنه سینما است، لازم به ذکر است که بگویم به کیفیت کارهای هیچ کارم، زیرا آمار سینما درباره آمار فروش است، اما می‌خواهم بگویم سینمای بدنه همچنان فیلم‌های کمدی تجاری را می‌فروشد و بیشترین تعداد سینماها را می‌تواند در اختیار بگیرد که این موضوع اصلا به نفع آکران نیست؛ به این دلیل که اگر شاقه یک مخاطب به سمت و سویی حرکت کند، دیگر نمی‌توان آن را تغییر داد. بالاخره حتی اگر این عدالت در آکران هم رعایت شود مخاطب هم مسائلی را رعایت می‌کند.»

بعد از تمامی این اتفاقات از ۲۹ تیرماه آکران آثار کمدی در سینمای ایران به



محمد نوری پس از انقلاب اسلامی ایران و پس از مدتی سکوت، فعالیت هنری خود را با آلبوم «در شب سرد زمستانی» همراه با فریبرز لاچینی و احمدرضا احمدی در سال ۱۳۶۸ از سر گرفت. این همکاری بعدها با آلبوم «آوازهای سرزمین خورشید» ادامه یافت.

۵ دهه فعالیت و ۳۰۰ قطعه آوازی

محمد نوری طی ۵ دهه بیش از ۳۰۰ قطعه آوازی اجرا کرد. او همچنین به نوشتن و ترجمه مقالات و سرودن اشعاری برای ترانه پرداخت.

«ای ایران»، «سفرهای دور»، «آواز سرزمین خورشید»،

نگاهی به استقبال مخاطبان سینما در غياب آثار طنز

دلیل فرارسیدن ایام عزاداری سیدالشهدا(ع متوقف شد، در این شرایط شاید آمار فروش و مخاطبین سینمای ایران شرایط حقیقی تری داشته باشد.

سینمای ایران تا قبل از پایان آکران کمدی‌ها و در بازه زمانی هفت روزه ۲۴۴ هزار مخاطب داشته است، از این میزان حدود ۳۵۵ هزار نفر تنها به دیدن دو ساخته کریم امینی یعنی «فسیل» و «شهر هرت» رفته‌اند، یعنی نزدیک به ۷۵ درصد از مخاطبین سینما تماشای آثار طنز را انتخاب کرده‌اند.

با این تفاسیر با در نظر گرفتن مخاطب دیگر آثار کمدی یعنی «عروس مردم»، «هنگ دفرغه» و «معجزه عشق» که در مجموع نزدیک به ۵۱ هزار مخاطب داشته‌اند آثار غیر کمدی سینما در این بازه زمانی تنها کمتر از ۷۰ هزار مخاطب را به سینما آورده‌اند.

همین آمار از زمان توقف آکران آثار طنز تا امروز که تقریبا شامل ۸ روز آکران (به دلیل تعطیلی ۵ روزه سینماها) می‌شود نشان دهنده تنها ۸۸ هزار مخاطب است. در این آمار بیش از ۲۳ هزار مخاطب مربوط به سینمایی «کت چرمی» است که به دلیل حضور بازیگرانی چون جواد عزتی و صابر ابر فروش قابل پیش‌بینی داشت؛ «سه کام حبس» و «شهرک» هم دیگر آثاری هستند که در مجموع با حدود ۲۳ هزار مخاطب در رتبه‌های بعدی قرار دارند. این آمار و ارقام نشان دهنده کاهش مخاطب در نبود آثار کمدی است، اتفاقی که به‌نظر نشمان دهنده اقبال این ژانر از فیلمسازی در سینمای ایران و البته تغییر

محمد نسوری در اواخر زندگی‌اش به یک بیماری خوبی بسیار بدخیم دچار شد و در این مدت بارها بستری و تحت درمان قرار گرفت. هرچند که خودش در آن زمان دوست نداشت کسی بداند که به سرطان مبتلا شده است. در نهایت محمد نوری با وخامت وضعیت جسمانی در شامگاه ۹ مرداد ۱۳۸۹ در بیمارستان «چم» در تهران درگذشت و در قطعه هنرمندان بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

خاموشی یک صدا

محمد نوری در میان دوستان و شاگردانش به اینکه انسانی شریف و به دور از تفکر مال‌اندوزی بود، شهرت داشت. علیرضا ششقی‌نژاد (رهبی گر فیلازمونیک ایرانیان) درباره روحیات استادش می‌گوید: «من از سال ۱۳۷۹ همکاری‌ام را با استاد نوری آغاز کردم و از سال ۱۳۸۰ به شاگردانش سلفژ درس می‌دادم و به عنوان رهبر از کستر نوری انتخاب شدم. حتی در برنامه‌ی «چهره‌های ماندگار» او را همراهی کردم و نکته بارز در تمام این سال‌ها این بود که او هیچ‌گاه خودش را به پیول نفروخت و زمانی هم که در یم زلزله شد، برنامه‌ای را اجرا کرد و عواید آن را به زلزله‌زدگان داد. محمد نوری در کنسرت‌هایش فقط و فقط به فرهنگ و اعتلای سطح فرهنگی ایران می‌پرداخت و این امر برای او بسیار مهم بود و به چیز دیگری فکر نمی‌کرد، او هیچ‌گاه به خاطر پول کار نکرد.» این هنرمند معتقد است: «محمد نوری بسیار وطن‌دوست بود و هیچ‌گاه به مسائل سیاسی و مسائلی که خارج از این سرزمین بود، تن نداد و در سرزمین خود ماند و وفادار بود. او همیشه برای وطنش خواند و هیچ‌گاه به خاطر پول کار نکرد.»

سلیقه مخاطب دارد.

محمد قنبری مدیر پریس «مگامال» در گفت‌وگویی که اخیرا با یکی از رسانه‌ها داشته گفته است: «از قبل از این تعطیلات و با توقف آکران فیلم‌های کمدی از ابتدای ماه محرم، ما در گیشه با افت فروش ۷۰الی ۷۵ درصدی مواجه شدیم. اصلا هم البته مردم در این ایام کمتر به سینما می‌روند و ترجیح می‌دهند در مراسم‌های عزاداری شرکت کنند. یعنی در این افت فروش، هم حذف فیلم‌های کمدی دخیل بوده و هم پایبندی و ارادت عموم مردم ایران به آئین‌های عاشورایی.» این سینمادار گفت: «فیلم‌هایی که در این شرایط در حال آکران هستند هم فیلم‌های تازه‌ای محسوب نمی‌شوند. «سه‌کام حبس» از ماه خرداد روی پرده بود و «کت چرمی» هم بیش از یک ماه می‌شود که آکران خود را آغاز کرده است. دیگر فیلم‌های اجتماعی روی پرده هم پتانسیل چندانی برای جذب مخاطب در این ایام نداشته‌اند. امید داریم با بازگشت فیلم‌های کمدی، گیشه سینماها در مردمان‌ها و شهرویهام شرایط بهتری را تجربه کنند.»

از این میان جدیدترین آثار روی پرده از ۱۴ تیرماه به سالن‌های سینما رسید‌اند که شامل فیلم‌های «برونده باز است» و «شهرک» می‌شود که البته هر دوی این آثار مخاطب قابل قبولی نداشته‌اند.

بیشتر فیلم‌های حال حاضر سینما هم آکرانشان به نیمه خرداد برمی‌گردد؛ «مصلحت»، «کت چرمی»، «نگهبان شب» و «تصور» همه از این تاریخ وارد سینما شده و به‌نظر اگر مخاطبی قصد تماشایشان را داشته تا امروز به سینما رفته است. همه این گزاره‌ها نشان می‌دهد سازمان سینمایی می‌تواند با وارد کردن آثار اجتماعی دیگر که ظرفیت مخاطب بیشتری دارند در زمان عدم حضور کمدی‌ها در سینما به دیدن شدن این آثار و البته به اصلاح زیست بوم سینما کمک کند.

«از تو می‌گویم» سراغ هنرمندان رفت

که دارند، بهره گیرند و ما هم فضا را نشان دادیم. اینکه شاعر در وصف امام حسین (ع) و اهل بیت ایشان شعر می‌گوید، خطاط با خط زیبایش با موضوع‌های مختلف خطاطی کند و با نقاش با گرفتن الهام از یک پرده رادیویی «از تو می‌گویم» درباره ایسن برنامه که در ایام محرم روی آنتن رادیو جوان رفت به مهر بیان کرد؛ ویژه برنامه که در مکتب عاشورای، آثاری را خلق کرده‌اند و در این آثار پیامی از ماه محرم، به ویژه روز تاسوعا و عاشورای حسینی را به مردم منتقل می‌کنند. این تهیه کننده اضافه کرد: هدف برنامه این بود که هنرمندان برای خلق آثارشان در این وادی و همچنین برای روایت مکتب عاشورایی و رساندن پیام عاشورا می‌توانند از هر هنری

مستند زندگی آرمان علی‌وردی پخش می‌شود

ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱ حضور داشت. روز وی چهارشنبه ۴ آبان ۱۴۰۱ در شهرک اکباتان، از سوی عدای ربوده و بعد از چند ساعت توسط بسیجیان در حالی که مورد ضرب و شتم قرار گرفته بود، به بیمارستان بقیه‌اله منتقل شد اما به دلیل شدت خون‌ریزی و جراحات وارده روز جمعه ۶ آبان به شهادت رسید.

عوامل «رقص خون» عبارتند از؛ تهیه‌کننده: سیاوش مختاری، کارگردان: امیر نیک‌زاد، رازی، فرزام سلطانی، تدوینگر: محمد راد، مدیر تولید: محمدطه ناصری، مدیر فیلمبرداری: مصطفی معمار، دستیار تصویربردار: مهدی احمدی، صدابردار: ارسلان نوروزی، اصلاح نور و رنگ و صداگذاری: محمد راد و تهیه شده با حمایت مرکز مستند سوره.

مستند «رقص خون» با روایتی از زندگی یک طلبه شهید فردا ۱۰ مرداده از شبکه سه پخش می‌شود.

مستند «رقص خون» به کارگردانی امیر نیک‌زاد و تهیه‌کنندگی سیاوش مختاری برای اولین بار روز سه‌شنبه ۱۰ مرداد ساعت ۱۷:۰۵ روی آنتن شبکه سه سیما می‌رود. این مستند گزارشی که با حمایت مرکز مستند سوره ساخته شده است، برای روشن شدن حقیقت ماجرای شهادت آرمان علی‌وردی در گفت‌وگو با اعضای خانواده، دوستان و افرادی که شاهد عینی این اتفاق تلق بودند، تهیه شده است. همچنین این اثر نگاهی به زندگی شخصی این طلبه ۲۱ ساله دارد. آرمان علی‌وردی بسنجی یگان امنیتی امام رضا (ع)، ساکن محله شهران تهران بود که در ماموریت‌های بسیج برای مقابله با

فرهنگ و هنر

پادداشت

تعزیه خوانی؛ نمایشی مذهبی - ایرانی با ریشه‌های کهن

نرگس مقبولی

تعزیه یا شبیه‌خوانی تنها نمایش مذهبی – ایرانی است که ریشه در کهن‌الگوهایی مانند «سوک سیاوش» و فراتر از آن «جنگ مهر با دیو سیاهی ایشو» را در جوهره خود دارد. جدال بین «خیر و شر»، «شقیبا یا اولیا» و راه بستن بر «امام حسین (ع) ۷۲ تن از یارانش» و به اسارت گرفتن خاندانش، موضوع اصلی تعزیه را تشکیل می‌دهد. اما آنچه حائز اهمیت است شیوه اجرایی آن است که به واسطه ارکان و عناصر بسیار ساده در هر لحظه با تاثیر و تاثر بر یکدیگر «فضای نمایشی» را خلق می‌کند که منجر به انفجار رمزا و نشانه‌ها می‌شود.

تعزیه به‌عنوان اجرایی معنوی، برآمده از اعتقادات ایرانیان ششیمه به واقعه کربلا و رخداد‌های مرتبط با آن است که دارای ریشه در گذشته سرزمین ماست. تعزیه‌خوانی خارج از حوزه نفوذ دستنگاه رسمی و مذهبی و بسندون برنامه‌ریزی برای ایجاد و براساس روایت‌های شفاهی توده مردم به وجود آمده است. بخش‌های مختلف تعزیه شامل: موقوف‌خوان یا دستنگاه می‌باشد که مجالس هم چند بخش دارد؛ الف. پیش‌خوانی؛ همان ورود گروه تعزیه به صحنه است. ب. پیش‌واقعه: قصه‌ای جانبی که با مجلس اصلی در ارتباط است. ج. واقعه: بدنه اصلی تعزیه است. شبیه‌خوان یا بازیگران، موقوف‌خوان یا مظلوم‌خوان که موقوف‌خوان‌ها هم به چند گروه تقسیم می‌شوند؛ الف: امام‌خوان، ب. شهادت‌خوان، ج. بچه‌خوان، د. خرخوان، ه. زبانه‌خوان.

مخالف‌خوان یا اشقیاخوان که مخالف‌خوان‌ها به چند گروه تقسیم می‌شوند؛ الف. شمرخوان، ب. تخت‌خوان، ج. نعلش.

معین البکا یا کارگردان، نسخه یا فیلمنامه که خود نسخه‌ها هم بخش‌ها و نام‌های گوناگونی دارند؛ الف. جُنگ: نمایشنامه یک کل مراسم تعزیه را جنگ می‌نامند، ب. فیرد: دفترچه‌ای که دیالوگ‌های هر شییه خوان نوشته شده است، ج. کتاب تعزیه.

اجرای این هنر آیینی تا پیش از ایجاد حکومت شیعی در ایران به روش‌های متفاوتی نسبت به امروز اجرا می‌شده است. به نقل از این اثر در زمان آل‌بویه در محرم عدای یا موهای پریشان و صورت سیاه کرده در شهر می‌گشتند و اشعار حزن‌انگیزی می‌خواندند اما پایه‌ای برای آن محسوب می‌شد. تعزیه دوران آل‌بویه بازسازی صحنه‌های جنگ کربلا بدون بیان بوده است که به‌مورت ادغام شده با مراسم اصلی حرکت دسته‌های عزاداری در خیابانها انجام می‌شده است. دوره صفویه با رسمی شدن تشیع مراسم محرم مورد حمایت دربار قرار گرفت و به‌تدریج متناسب با مطالعات فرهنگی مخاطبانش شکل گرفت. بازیگران تعزیه توسط خود مردم انتخاب می‌شوند و نقش فرد مورد نظر را اجرا می‌کنند. موضوع اجراها از واقعه کربلا انواع مختلفی دارند به همین دلیل از واژه کلی شبیه‌خوانی به جای تعزیه استفاده می‌شود. شبیه‌خوانی بنه اجرهای مذهبی گفته می‌شود که لزوما سوگواری و عزاداری نیستند ولی تعزیه نمایشهایی را در بر می‌گیرد که شامل سوگواری و عزاداری برای امام حسین (ع) یاران و خاندان ایشان است و قدمت آن به پیش از اسلام می‌رسد. آنچه

قبیل تأمل است اینکه تعزیه در مناطق مختلف مخصوصا در شهرستان‌ها و روستاها با قومیتها و فرهنگ‌های متفاوت، خصوصیات آن فرهنگ را به خود گرفته و بومی آن منطقه شده و عناصر و نشانه‌هایی از ویژگی‌های محلی را در خود جای داده است به‌طوری‌که در کل کشور یک تعزیه واحد موجود نیست و اجرای هر منطقه در عین داشتن کلیت مشابه به دلیل موضوع، تفاوت‌هایی با مناطق دیگر داراست که ناشی از تعاملات فرهنگی است. جنبه مثبت تعزیه‌های شهرهای کوچک و روستایی انعطاف‌پذیری بالاست، چون مرز زمانی و مکانی در آن وجود ندارد و می‌تواند در هر زمان مکان و با هر تعداد تماشاگر با بازه زمانی که در دست اجراکنندگان و مخاطبان است اجرا شود. بداهه‌سازی یا بداهه‌خوانی از اتفاقاتی است که بسیار رایج است. نکته دیگر با وجود مشخص بودن تاریخ حوادث کربلا، لباس‌های تعزیه‌خوانان متناسب با زمان و سال اجرا متفاوت به زندگی مردم همان دوره نزدیک هستند متناسب با دوره زمانی اجرای آن تغییر کرده‌اند و هیچگاه مورد تمسخر و تعجب مخاطب قرار نگرفته‌اند. این نکات نشان از قدرت و گستردگی و انعطاف این هنر آیینی دارد که به ایجاد رابطه با مخاطبان، مشارکت تماشاگران و چگونگی عملکرد آن استحکام بیشتری می‌بخشد. بازیگران نمایشهای سنتی ایرانی هیچ‌گاه اندیشه خود را به مخاطبانیشان تحمیل نمی‌کنند. در تعزیه تماشاچی خود یک بازیگر است و بازیگر یک تماشاچی این در هم آمیختگی اجرا کننده و مخاطب تعزیه از جنبه‌های مختلفی رخ می‌دهد؛ اجرا معمولا در اماکن باز و گسترده با توده‌های مردم اجرا می‌شود و بازیگر و تماشاگر کاملا رو در رو هستند. این رو در رویی موجب خود تحلیلی شرکت‌کنندگان و اجراکنندگان و همنوایی درونی بین آن‌ها و مضمون تعزیه به وجود می‌آورد.

منابع:

- بلوکیاشی، ۱۳۸۶. نقش و کارکرد اجتماعی، فرهنگی و هنری تعزیه‌خوانی در جامعه سنتی ایران، در کتاب گردهمایی‌اصفهان، مجموعه مقالات نمایش، به کوشش ابراهیمی، عسکر. تهران: فرهنگستان هنر.
- چلکوسکی، چیتزر، جی. ۱۳۷۰. هنگامی که نه زمان زمان است و نه مکان مکان، ایران‌نامه.
- رهبزینا، زهرا و خیری، مریم. ۱۳۹۲. هر تعاملی به مثابه یک متن.
- میرشکرایی، محمد. ۱۳۸۸. تعزیه و آیین‌های عاشورایی، چاپ اول. تهران: انتشارات نمایش.

روزنامه **سیاست‌روز** تلفنی آگهی می‌پذیرد
۷۷۶۶۰۰۶۸۰۰

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران (۱۵۰۹۰۳)